

کاربرد صور خیال در استفاده از رزم ابزارها در اشعار پایداری قیصر امین پور، علیرضا قزوه و عبدالجبار کاکایی

شراره الهامی^۱، سوسن ولی زاده^۲

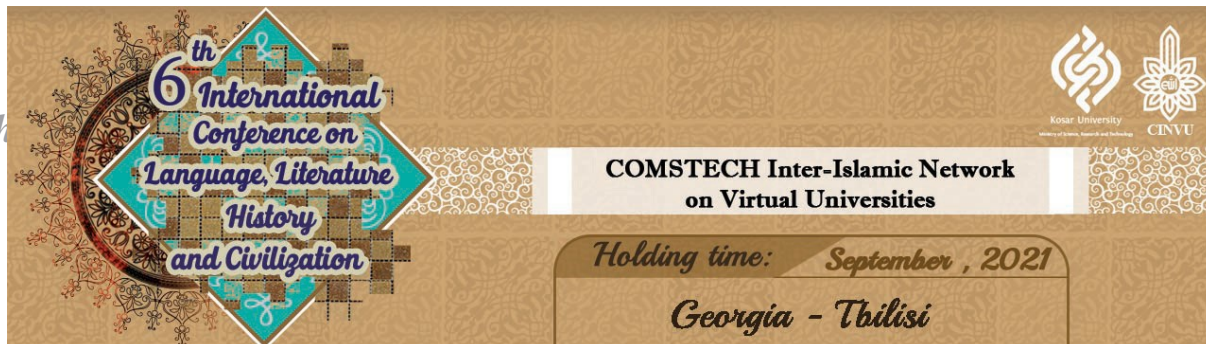
۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج (نویسنده مسئول)

چکیده

صور خیال، بیان غیر مستقیم معنای پوشیده در پس کلمات است و شاعران برجسته به ارزش تصویر پردازی بجا و به موقع و به اقتضای کلام آگاهند. در شعر پایداری و مقاومت، آفرینش ترکیب‌هایی از عناصر جنگ، ناشی از درک شاعر از فضایی است که در میان رزمندگان و میدانهای پیکارشان و پشت سنگرها و خاکریزها و همچنین در میان شهرها و روستاهای جنگ زده ادراک کرده و می‌خواهد که تلفیق دو مفهوم متضاد قهر و مهر را که به صورت عینی در آن صحنه‌های خطر دیده است با انتخاب و یا ابداع و قرار دادن واژه‌ها در کنار یکدیگر در این حماسه بزرگ به تصویر بکشد. در همین راستا پژوهش حاضر به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار فیش برداری با هدف بررسی صور خیال در استفاده از رزم ابزارها در اشعار پایداری قیصر امین پور، علیرضا قزوه و عبدالجبار کاکایی انجام شد. نتایج این پژوهش بیانگر این است که شاعران مذکور با رزم ابزارهایی چون، گلوله، مین، مو شک، نارنجک، دشنه، نیزه، سنان، تیر، هواپیما، انفجار، خنجر، فشنگ و ... و استفاده از استعاره، تشبیه، مجاز، کنایه و سایر عناصر صور خیال به خلق آثاری ملموس، ماندگار و زیبا پرداخته‌اند که اتفاقات و جریان‌های دفاع مقدس و پیروزی حق بر باطل را به زیبایی به تصویر کشیده و گنجینه‌ای برای آیندگان به یادگار خواهد ماند.

واژگان کلیدی: صور خیال، رزم ابزارها، اشعار پایداری، امین پور، قزوه، کاکایی



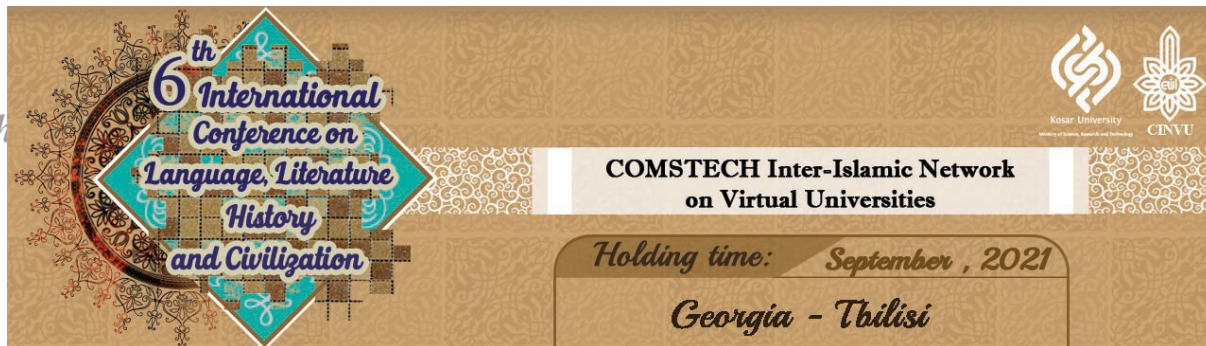
۱- مقدمه:

موضوعات متنوع شعری، بیشترین بهره را از نقش آفرینی صورخیال برده اند. شعر فارسی نیز از نخستین ادوار پیدایش خویش تاکنون، از تأثیر و قدرت القایی انواع تصویر بهره گرفته است. یکی از دوره های قابل توجه شعر پارسی، دوران معاصر است که محمل جریانات و نهضت های گوناگون و نوین ادبی بود. در این میان، سهم شعر پایداری معاصر که در دو جلوه ی «شعر انقلاب» و «شعر دفاع مقدس» رخ می نماید، همواره قابل توجه و نیازمند بررسی است.

شعر پایداری، شعری است با دو بال «عدالت و آزادی» و پاسدار کرامت های انسانی است. شعر مقاومت و پایداری، محصول پیوند اندیشه و تفکر، با تصویر و تخیل است. ولی در بند تخیل نیست. زیباست، و ملی زیبا مدار نیست. شاعران پایداری، زیبایی را در خدمت تعهد می خواهند. از همین رو حماسه ی «دفاع مقدس» در سرعت بخشیدن به جریان حماسه سرایی و آرمانگرایی در ادبیات، نقش عظیمی داشته است، که غیر قابل انکار است.

«شعر انقلاب اسلامی در مسیر رشد و بالندگی خود دوره ای هشت ساله از مقاومت و ایثار، از جان گذشتگی، و حماسه آفرینی جوانان پرشور و عاشقی را شاهد بود که سبب شد لحظه لحظه تصاویر آن رنگی فراخور واقعیت های گوناگون اجتماع در برابر جنگ و وقایع متفاوت آن به خود بگیرد. شعر مقاومت ایران، فصلی خونین، پر بار و شکوهمند از ادبیات انقلاب اسلامی است که با ترنم عطر آگین خود ادبیات معاصر کشور ما را وجهه و آبروی در خور بخشیده است» (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸). و هیچ گاه از عناصر تصویرساز شعری خالی نبود. صورخیال در شعر شاعران حاصل نوعی تجربه و آگاهی است که شاعر یا نویسنده از محیط پیرامون خویش به دست می آورد. در واقع نمایش حالات درونی و ویژگی های شخصیتی شاعر را می توان در تصاویر شعری او جست و جو کرد؛ چون خیال تصرف ذهنی شاعر در امور و مفاهیم مختلف است که از طریق انواع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و... به دست می آید.

استاد شفیعی کدکنی درباره صور خیال این گونه می نویسد: خیال جوهره اصلی و ثابت شعر است و چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می شود و این نیرو قابل تعریفی دقیق نیست. خیال عنصر اصلی شعر است در همه تعریف های قدیم و جدید است و هر گونه معنی دیگری را در پرتو خیال میتوان شاعرانه بیان کرد. منظور از کلامه خیال همان ایماژ فرنگی است که چون نمیدانستند به آوردن مجموع اصطلاحاتی از قبیل اغراق، تشبیه، استعاره پردازند این کلمه را برای مجموع این اصطلاحات به کار گرفته اند. (شفیعی کدکنی ۱۳۷۵: ۲۰)



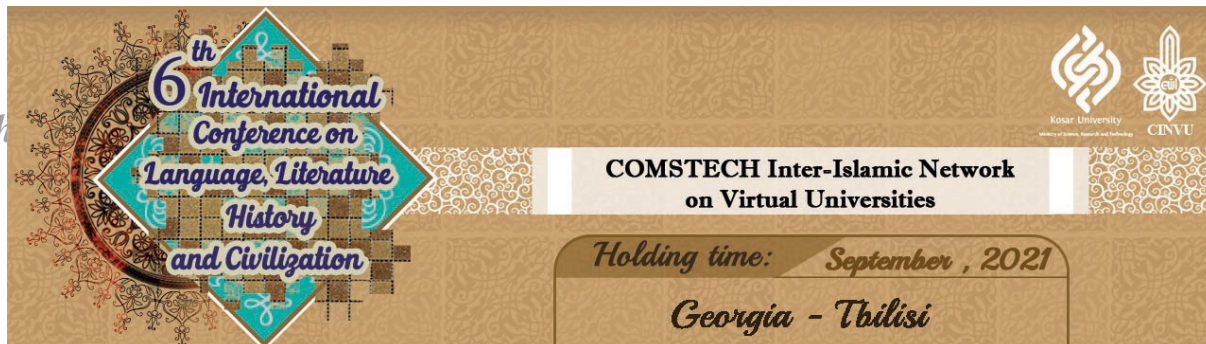
از جمله آراستگان ادبیات معاصر را می توان قیصر امین پور، علیرضا قزوه و عبدالجبار کاکایی نام برد که از شاعران نامی و برجسته جنگ نیز به شمار می روند و برای بیان دیدگاه ها و اندیشه های خویش مثل هر شاعر دیگر از ایماژها و تصاویر خیال انگیز استفاده کرده اند. در اشعار آنان تصاویر زنده و تازه ای به چشم می خورد و ابداع معانی و تصاویر جدید به شعر آن ها ویژگی خاصی بخشیده است. این شاعران در اشعار خویش بی هیچ تکلف و تصنعی با صمیمیت و صداقت هر چه تمام تر دعوت کننده رزمندگان و امت مسلمان به ادامه مبارزه و استقامت در مقابل دشمنان می شوند. استفاده از الفاظ و کلمات در گستره معنایی وسیع تر و توجه به آهنگ و واژه ها و موسیقی خاص کلمات از ویژگی های عمده شعر دفاع مقدس است. این شاعران با واژه های جنگ افزاری، تشبیهات - تلمیحات - استعاره و ... را بسیار زیبا و شیوا بیان کرده اند. بر این اساس در پژوهش حاضر سعی شده است که کاربرد صور خیال در استفاده از رزم ابزارها در اشعار پایداری قیصر امین پور، علیرضا قزوه و عبدالجبار کاکایی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۲- صورخیال در شعر

زمینه ی اصلی شعر و بیان هنری زبان، اغلب تشبیه، استعاره، اسناد مجازی شعر و گونه های مختلف تصویر است و باید گفت، ساختار و محتوای شعر هر کدام ظاهری دارد و باطنی و در باطن یا جوهر شعر بیشترین کاربرد خیال را می توان مشاهده کرد؛ در واقع هنری ترین صناعات ادبی و بلاغی را در محتوا و باطن شعر به کار می برند. به همین دلیل است که از دیرباز شاعرانی که از عناصر پیچیده و خیال انگیزتری استفاده کرده اند، اغلب صاحب سبک بوده و آثارشان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

«صورخیال» در شعر شاعران به فراخور موقعیت اجتماعی و حال و هوای دوره ی زندگی شاعر و حوادث و وقایع گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که رخ می دهد، نمود متفاوتی دارد و بی شک هریک از عوامل مذکور می تواند در نوع نگرش شاعر به اطراف و طرح کلی اندیشه، احساس و عاطفه ی او تأثیرگذار باشد؛ همان گونه که اگر شاعری در محیطی با طبیعت سرسبز و خرم و پر از گل و گیاه زندگی کند، شعرش از نمود آن عناصر طبیعی خالی نخواهد بود؛ وقایع بزرگ اجتماعی نیز بر شاعران دلسوز و متعهد تأثیرگذار خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶۵).

هر شاعر و نویسنده ای نسبت به استفاده از برخی صورخیال و عناصر ادبی بیشتر سوق و کشش دارد؛ بنابراین می توان گفت، سبک ادبی یک شاعر یا نویسنده را می توان از نظر صورخیال و صناعت زیبا شناختی مورد بررسی قرار داد و از



دیگر سبک‌ها متمایز کرد. کاربرد صورخیال یا تصویر به صورت عام ممکن است در بین شعرا مشترک باشد، اما به سبک و شکل خاص می‌تواند ویژگی سبکی یک شاعر محسوب شود.

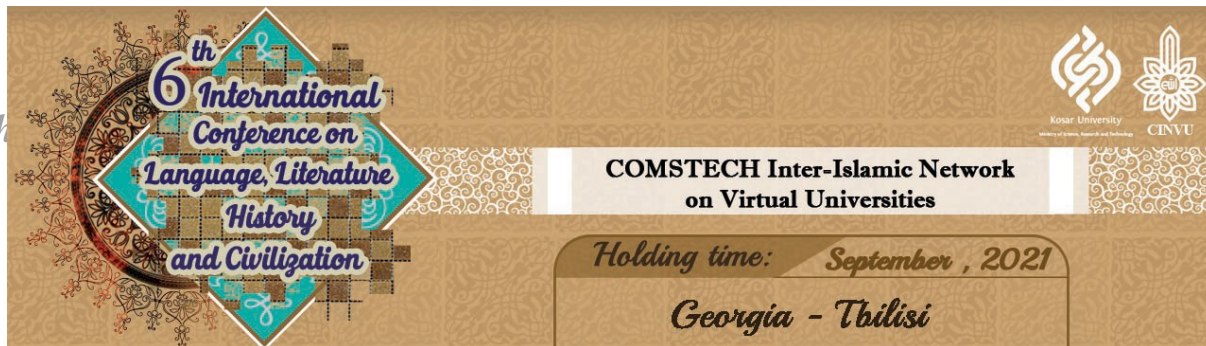
برای بررسی تصویر یا خیال در شعر یک شاعر بهتر است به بررسی طرح کلی یا به تعبیر دیگر محور افقی و عمودی خیال در کنار هم پرداخت و اساسی‌ترین رکن دستگاه بلاغت را تشبیه دانسته‌اند که دیگر اجزای آن نیز در سایه‌ی تشبیه رشد کرده و ایجاد شده‌اند. «بررسی صورخیال اشعار شاعران مختلف در کنار شناسایی افتراق و اشتراک آثار ادبی، سبک و ارزش هنری هر اثر را نیز آشکار می‌سازد. دستگاه بلاغی برجسته‌ترین و مهم‌ترین دستگاه زبان ادبی است که می‌توان روند آفرینش ادبی را در آن ملاحظه کرد. اساسی‌ترین رکن این دستگاه تشبیه است که سایر اجزای دیگر را در بر می‌گیرد» (براتی و نافلی، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

علمای علم بلاغت، تصویر و ایماژ را محدود به تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه دانسته‌اند، اما در سال‌های اخیر بزرگان چون شفیع کدکنی، شمیسا، فتوحی و ... دامنه‌ی تصویر را به موضوعاتی نظیر اغراق، ایهام، اسطوره، نماد و ... بسط و گسترش داده‌اند. باین وجود هنوز تعریف جامع و کاملی که بتوان بلاغت تصویر و محورهای آن را بررسی کرد مطرح نشده است و هرکدام از علمای علم بلاغت نظریه‌ای را بر تعاریف پیشین افزوده یا کم کرده‌اند.

۳- صورخیال در اشعار پایداری

تحمیل جنگ عراق بر کشورمان موجب شد، علاوه بر مردم عادی، هنرمندان و شاعران نیز پایه پای مردم به میدان بیایند و از هنر خود برای مردم سرزمینشان همواره، متعهدانه استفاده کنند. در سال‌های آغازین جنگ، شعر معمولاً به صورت روایی سروده می‌شد. شاعران در این دوران به علت وضعیت موجود، کمتر به جنبه‌ی زیباشناختی و کاربرد صنایع ادبی توجه داشتند و بیشتر به انتقال مفاهیم فکر می‌کردند، اما هرچه جلوتر می‌رفت، کاربرد عناصر ادبی و بلاغی بیشتر می‌شد و حتی گاهی زبان تند و اعتراض آمیز را در پوشش کنایه و ایهام بیان می‌کردند و این روشی بود که مردم را مشتاقانه به سمت اشعار دفاع مقدس می‌کشاند.

هنگامی که یک حادثه، تحول عظیمی در مبانی فکری، ارزش‌ها و باورهای یک ملت ایجاد می‌کند، بازتاب آن را در آثار ادبی آن جامعه هم می‌توان دید. هشت سال جنگ تحمیلی، با پیش‌زمینه‌ی انقلاب اسلامی، حضور مردم را در عرصه‌ی جامعه و مسائل مهم کشور چشمگیرتر کرده بود. حضوری فعال که به دنبال خود ارزش‌هایی هم‌چون ایثار و



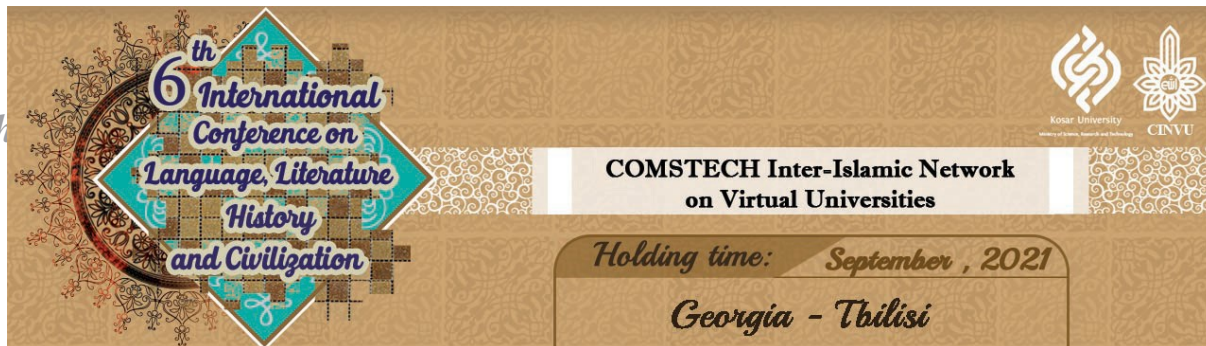
فداکاری، شهادت طلبی، جانبازی، حماسه آفرینی و ...، و تقابل بین حق و باطل و مظلوم و ظالم را آشکار کرد. مادر جنگ تحمیلی شاهد حماسه سازی ها و فداکاری هایی هستیم که با الگوپذیری از حماسه ی بزرگ کربلا، تداعی گر مظلومیت ها و درعین حال پایداری های سربازان اسلام در دفاع از حق و حریم ولایت بودند.

با توجه به اینکه شعر دفاع مقدس، دوران مختلفی را پشت سر گذاشته است، تصویرهای مربوط به دفاع مقدس نیز در شعر شاعران دوره های آغازین، میانی و پس از جنگ متفاوت بوده است و باید دید در طی این سال ها چه چیزی بیشتر شاعران متعهد این عرصه را به سمت خود سوق داده است.

«شعر این دوره از لحاظ صناعات لفظی و معنوی بی نهایت غنی و پر بار است؛ هم طرز سخن فردوسی و فرخی و عنصری را داراست و هم شیوه ی کلام سعدی و مولوی و حافظ را شامل است و هم ظرافت و بازیگری اندیشی و نازک خیالی صائب و کلیم را به یاد می آورد و سرشار از گونه های مختلف جناس و تشبیه و استعاره و کنایه است، بی آنکه زیاده روی با تکلف و پیچیدگی در کار باشد.» (اولیایی، ۱۳۷۳: ۴۶) در واقع علاوه بر واقع گرا بودن شعر این دوره و ثبت وقایع و جریان های گوناگون جنگ، همواره سرشار از عناصر تصویر ساز شعری بوده است و شاعران متعهد در توصیف از خود گذشته گی ها و جان نثاری رزمندگان و مردم و همچنین آوارگی ها و بمباران های مردم بی گناه را با انواع آرایه های ادبی آمیخته اند و تأثیر آن را دوچندان کرده اند.

با تغییر و تحولاتی که در جامعه به وجود آمد به فراخور آن نیز محتوا و مضامین شعری نیز تغییر یافتند و همان گونه که اشاره شد، توجه به مضامینی چون شهید و شهادت، آوارگی و بی خانمانی، بیان مظلومیت ها، ایستادگی ها و ... بیشتر شد و به تبع تغییر در محتوا، زبان و شیوه ی بیان شاعران نیز تغییر کرد. به همین علت می توان گفت، نمونه های زیبایی از تصویر سازی در شعر مقاومت و پایداری شاعران متعهد دفاع مقدس نیز دیده می شود و این سیر ارتباطی بین شرایط اجتماعی و مضامین و ساختار آثار شاعران انکارناپذیر است.

از توضیحات فوق می توان چنین دریافت کرد که شعر، به فراخور موقعیت اجتماعی و حال و هوای دوره ی زندگی شاعر و حوادث و وقایع گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که رخ می دهد، نمود متفاوتی دارد و بی شک هر یک از عوامل مذکور می تواند در نوع نگرش شاعر به اطراف و طرح کلی اندیشه، احساس و عاطفه ی او تأثیرگذار باشد؛ همان گونه که اگر شاعری در محیطی با طبیعت سرسبز و خرم و پر از گل و گیاه زندگی کند، شعرش از نمود آن عناصر



طبیعی خالی نخواهد بود؛ می توان گفت وقایع بزرگ اجتماعی نیز بر شعر شاعران دلسوز و متعهد تأثیر گذار خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶۵).

شعر دفاع مقدس از نظر صناعات لفظی و معنوی بسیار غنی است و سرشار از گونه های مختلف تشبیه، ایهام، تضاد، استعاره، نماد، مراعات النظیر... است و در استفاده از این صورخیال چندان زیاده روی نشده که شعر را پیچیده و نامفهوم کند، اما در عین حال شیوه و طرز پیشینیان را نیز در خود دارند که می توان در بعضی اشعار روح حماسی فردوسی را دید و در بعضی هم باریک اندیشی صائب را، حتی بعضی اشعار عارفانه و دلکش سروده شده اند. در این بین نیز اشعاری هستند که از زیبایی شناختی بهره ی چندان نبرده اند و شاعر به صرف تقلید یا بیان مطلب، دیگر به تأثیر بر مخاطب فکر نکرده است.

۴- واژگان مربوط به ابزار حماسی و جنگ افزارها

از ویژگی های اشعار حماسی و پایداری، پرداختن به جنگ افزارهایی است که در نبردها به کار می آمده اند. گاه این جنگ افزارها، خاص شده اند، مثل کمند اسفندیار، گرز افراسیاب، یا کمان اولیش و در بیشتر موارد عام اند. توصیف ادبی و هنری جنگ افزارها از عرصه هایی است که شاعر حماسه سرا می تواند شایستگی ها و توانایی های خود را در خلق اثر حماسی بنمایاند، توصیف جنگ افزارها از سوی قهرمانان، بارها در اشعار حماسی تکرار شده است. رستم، شمشیر خود را بدین گونه وصف می کند:

یکی ابر دارم به چنگ اندرون / که هم رنگ آب است و بارانش خون
همی آتش افروزد از گوهرش / همی مغز پیلان بساید سرش»

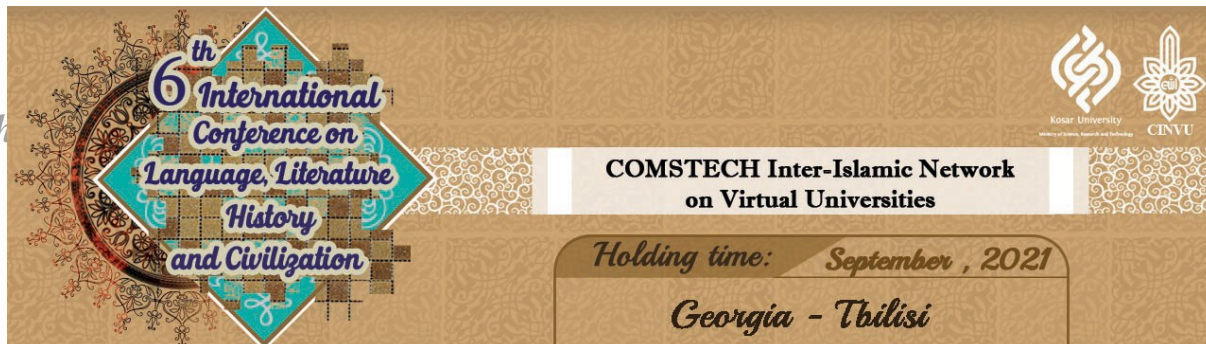
(فردوسی، ۱۳۷۶: ۳۳)

این گونه اوصاف در اشعاری با بن مایه های حماسی، بار دیگر در اشعار شاعران انقلاب تکرار شده است. شاعران با تکیه بر آثار کهن، جنگ افزارهای خود را گاه ستودند و گاه آن را مونس خویش قلمداد کردند.

«کی به آیات آتش صدای مرا می گشایی؟ / کی به مضراب خنجر گلوی مرا می نوازی»

(کاکایی، ۱۳۷۸: ۱۱۴)

«چون گلوله و گل خواهیم شد / مین می شوم / نارنجک کشیده ی خورشید می شوم»



(قزوه، ۱۳۸۵: ۸۹)

استفاده از ابزارهای حماسی در سرودهای دفاع مقدس نیز به چشم می خورد، تاثیرپذیری واژگانی ابزارهای حماسی به گونه ای است که به رغم اینکه انقلاب در قرن بیستم و با وجود امکانات و ابزارهای نظامی به نسبت پیچیده، مکانیزه و پیشرفته رخ داده است و در واقع ابزارهایی نظیر؛ هواپیما، توپ و تانک، گلوله، تفنگ، فشنگ، بمب، نارنجک و گاز شیمیایی در این دوره کاربرد داشته اند. اما در ادبیات انقلاب به جهت آشنایی با ادبیات کهن و ابزارهای موصوف ادوار پیشین همچنان از این ابزار برای اشعار پایداری بهره برده اند.

بهره گیری از ابزارهای حماسی کهن به جهت مهابت و درشتی لفظ و آشنایی ذهن حماسی ایرانیان شاهنامه خواننده، به خودی خود در ایجاد فضا و لحن حماسی موثر واقع شده اند.

پر واضح است که ابزارهایی چون: رزم جامه، درفش، دشنه، طبل، لوا، خلعت و خنجر، کمان، پیک و ... در مقایسه با ابزارهای نوین و مکانیزه و گاه فرنگی دوره انقلاب مانند، تفنگ، فشنگ، تیربار، قمقمه، لنگرور، موتور سیکلت، آژیر، بی سیم، نارنجک و ... از نظر کاربرد نظامی و تاثیر در پیروزی بسیار ابتدایی و شکست پذیرند از نظر انتقال حس و لحن و مضمون جنگ پهلوانی و حماسی در برابر واژه های قرن بیستم، موفق ترند. و ذهن مخاطب را به سوی جنگی سراسر درشتی و کوبنده و مردانه سوق می دهد.

از این رو ذکر ابزارهای حماسی کهن و تاثیرپذیری سرودهای انقلاب از این ابزارها تلاش موفق و موثری در ایجاد ارتباط و انتقال نبرد به مخاطب بوده اند.

ناگه رجز هجوم خواندند
برگرده گردباد راندند

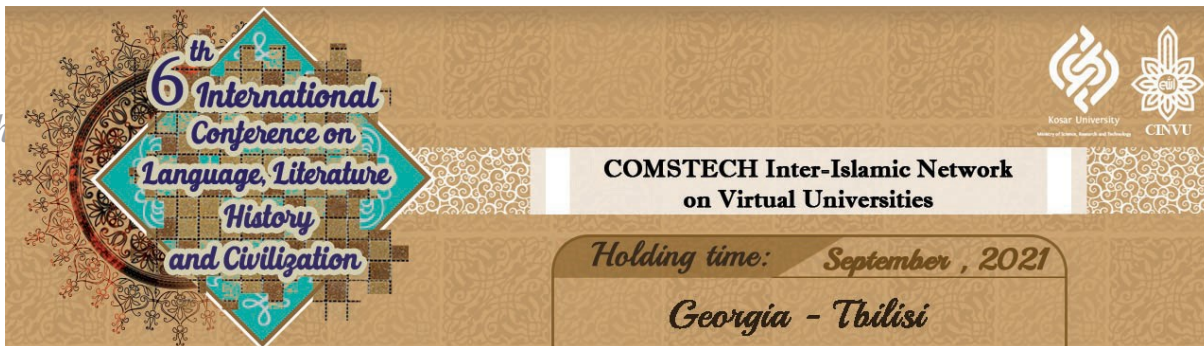
شستند به خون شب زمین را
شمشیر به آسمان رساندند

(امین پور، ۱۳۸۶: ۴۱)

سنگ با خواب اقاقی های گلدانم چه کرد؟
باد بازیگوش با خاک شهیدانم چه کرد؟

خشک شد خونی که بر تیغ شهامت داشتم
غفلت تردید با شمشیر عریانم چه کرد

(کاکایی، ۱۳۸۷: ۹۸)



۵- صور خیال با رزم ابزارها

- تشبیه:

تشبیه در لغت به معنای قرار دادن همگونی بین دو چیز یا بیشتر می‌باشد که اشتراک آنها در یک صفت یا بیشتر اراده شده باشد؛ و آن به وسیله ادات‌هایی و در جهت اهداف متکلم صورت می‌پذیرد (هاشمی، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

سکاکی در تعریف تشبیه آورده است: «تشبیه، اشتراک میان مشبه و مشبه به، از جهتی و افتراق از جهتی دیگر است» (سکاکی، ۱۹۸۷: ۱۴۱)

یکی از فواید مهم تشبیه، توصیف است که یکی از زیباترین شیوه‌های بیان مقصود به شمار می‌رود.

ستاره ای شکسته ی داوود را چسبانده اند با سریش گلوله

به خاک قدس

و می گویند: آسمان اینجاست!

دنبال عصای سلمیان می گردند

دنبال کاست صدای داوود نبی

دنبال کلت کمری پیغمبر یک چشم...! (قزوه، ۱۳۶۹: ۴۴)

در شعر فوق سریش گلوله، تشبیهی نو است و کلت کمری، مجازا ابزار قتل می‌باشد.

* * *

کی به آیات آتش صدای مرا می‌گشایی؟

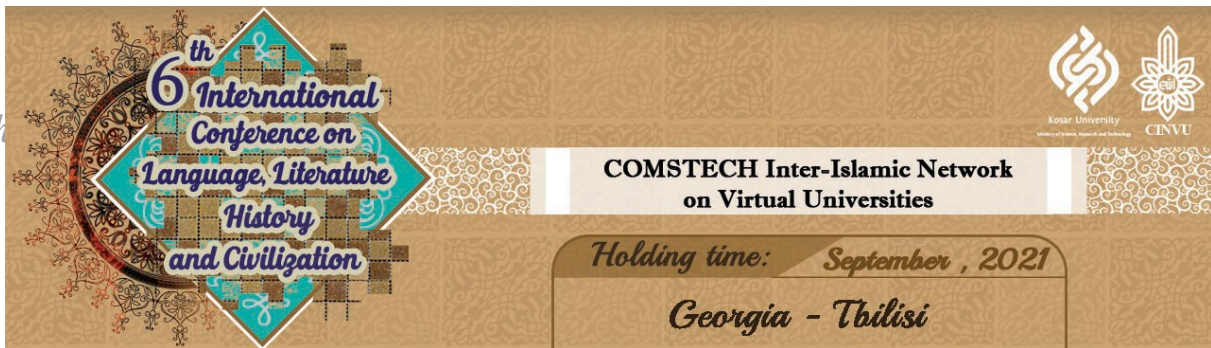
کی به مضراب خنجر گلوی مرا می‌نوازی

می‌توانستی‌ای کاش از من سراغی بگیری

می‌توانستی‌ای کاش از من شهیدی بسازی

(کاکایی، ۱۳۷۸: ۱۱۴)

در شعر فوق شاعر با چیره دستی خنجر را به مضراب و گلوی خود را به ساز تشبیه کرده و در این بازی کلا می‌خنجر معشوق گلوی شاعر را جای بریدن می‌نوازد و جای ناله و درد صدای رضایتمندی بلند می‌شود.



* * *

قصه ی زخم، مکرر شده است	باغ یک پارچه خنجر شده است
آسمان، بغض کبوتر شده است	بس که ابری است هوای پرواز
ریشه کرده ست، تناور شده است:	ساقه ی زرد غمی در دل من
علف هرزه، صنوبر شده است	چند روزی ست که از غربت باغ
دل آینه مکدر شد است	روزگاری ست که از <u>وهم نقاب</u>
پای چشم شهدا تر شده است	لاله در گوش گل نرگس گفت

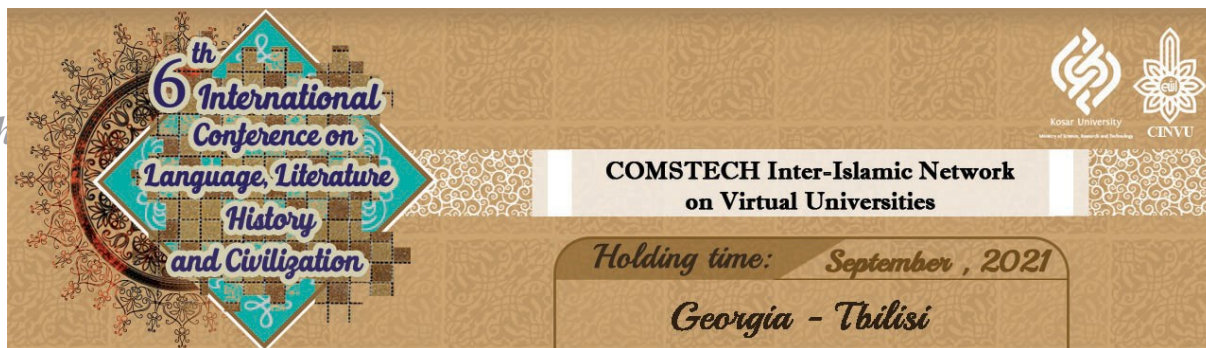
(کاکایی، ۱۳۷۹: ۴۷)

در اینجا عبارت «باغ یک پارچه خنجر شده است»؛ تشبیه است به عبارتی می توان گفت باغ چون خنجر و نقاب در اینجا، مجازا هر چه موجب ناراحتی است.

* * *

می خواستم
 شعری برای جنگ بگویم
 دیدم نمی شود
 دیگر قلم زبان دلم نیست
 گفتم:
 باید زمین گذاشت قلمها را
 دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست
 باید سلاح تیزتری برداشت
 باید برای جنگ
 از لوله ی تفنگ بخوانم
 - با واژه ی فشنگ -

(امین پور، ۱۳۸۷: ۱۰)



در عبارت «دیگر سلاح سرد سخن کار ساز نیست» واج ارایی تکرار صامت «س» را دارد. / سلاح سخن؛ تشبیه و سلاح تیز تر؛ مجاز از سلاح کشنده است.

* * *

در شعر زیر قزوه تشبیه بسیار زیبایی دارد:

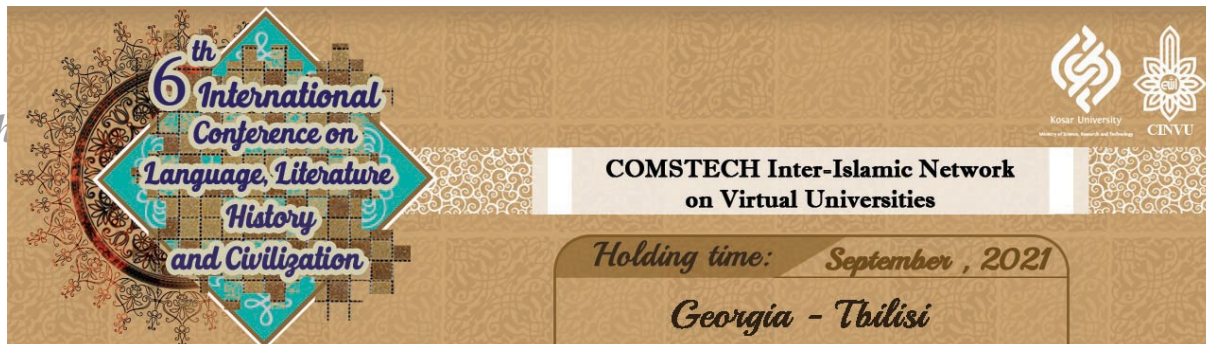
بار دیگر نیز می گویم / این ستاره های شش پر در مسیر ماه ، چون مین اند / ای دریغا نام داوود / ای دریغاتر ، ستاره / ای دریغا ، ماه / قدس ، خون یحیی در دل تشت ماست / قصه ی یوسف درون چاه / سنگها بگذار چون باران فرود آیند (قزوه، ۱۳۸۴: ۳۴)

- استعاره:

استعاره، از سودمندترین ابزار تصویرگری هر شاعر است و بی شک رسایی و کارآمدی آن از تشبیه بیشتر است؛ زیرا اگر تشبیه ادعای همانندی است، در این نوع تصویرگری، ادعای یکسانی بین دو چیز حاکم است. استعاره در لغت از ریشه ی استعار المال، گرفته شده است یعنی از او خواست که مال را به او امانت بدهد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۶۱۸). در اصطلاح یعنی به کار بردن لفظ در غیر معنای حقیقی خود، به علاقه ی مشابهتی که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد، البته باید دارای قرینه ای باشد که از اراده ی معنای حقیقی جلوگیری کند (تفتازانی، ۱۳۸۹: ۲۲۱). دکتر میرجلال‌الدین کزازی در مورد استعاره می گوید: «یکی دیگر از هنرهای شاعرانه که سخنور به یاری آن می کوشد تا سخن خویش را هر چه بیشتر در ذهن مخاطب جای گیر کند، استعاره است. از این رو استعاره دامی است، تنگ تر و نهان تر از تشبیه که برای خواننده، گسترده می شود.» (کزازی، ۱۳۸۵: ۹۴).

استعاره نسبت به دیگر صور خیال رساتر، مؤثرتر و قویتر است؛ چرا که در استعاره با گسترش معانی و ادعای این همانندی شاهد تخیل و اغراق هستیم «شاعر به وسیله ی استعاره به همه چیز جان می بخشد. به همه چیز لطف و ظرافت عطا می کند. به حیوانات زبان بیان نسبت می دهد و به اشیای بیروح، حس و حرکت» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۷۱).

از چارسو راه مرا بستند، از چارسو چاه است و گمراهی / با این همه در بارش خنجر، یک صبح راهی می شوم راهی / ... آمد به خوابم گردبادی گفت: برگرد سوی وادی موعود / نور تجلی نیست این وادی، این تیه گمراهی است گمراهی /



شمشیرها سرخورده اند اینجا، مختارمردان مرده اند اینجا/ در ما، حسین عشق را کشتند، / کس نیست برخیزد به خونخواهی. (قزوه، ۱۳۸۷: ۵۲)

خنجر، مجازا خطرات و همچنین استعاره از پرتوهای نور خورشید صبحگاهی است. شمشیرها سرخورده اند اینجا... شمشیرها؛ مجازا دلاوران و مردان جنگ را به تصویر می کشد.

* * *

نمی گذارم بمیرید!

چون ابر

چون گلوله و گل خواهم شد

مین می شوم

نارنجک کشیده ی خورشید می شوم (قزوه، ۱۳۸۵: ۸۹)

* * *

«دشت، غرق خنجر و دشنه / کودکان، در خیمه ها تشنه / آسمان غمگین، زمین خونین / هر طرف افتاده در میدان / اسبهای زخمی و بی زین / نیزه و زوبین»
(امین پور، ۱۳۸۸)

دشت غرق خنجر و دشنه اغراق و استعاره مکنیه دارد (استعاره مکنیه آن است که مستعارمنه (مشبه به)، در کلام ذکر نهی - گردد بلکه برخی از لوازم و مختصات آن به همراه مستعار له (مشبه)، آورده می شود).

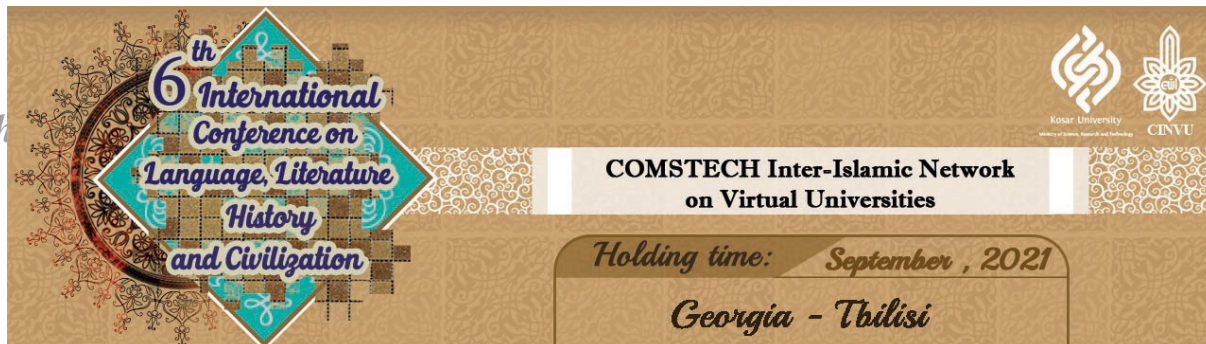
* * *

سنگ با خواب اقاقی های گلدانم چه کرد؟ باد بازیگوش با خاک شهیدانم چه کرد؟

خشک شد خونی که بر تیغ شهامت داشتم غفلت تردید با شمشیر عریانم چه کرد

باد باقی مانده نام مرا با خویش برد مستی امروز با دیروز ایمانم چه کرد؟ (کاکایی، ۱۳۸۷: ۹۸)

تیغ شهامت اضافه استعاری است (اضافه استعاری همان استعاره مکنیه است که به صورت ترکیب اضافی می آید). «شمشیر عریان» در اینجا مجازا آماده نبرد بودن و آماده جنگیدن است.



- کنایه:

یکی دیگر از عناصر و ابزارهای تصویرگری که شاعر به مدد آن عواطف و احساسات خود را هنرمندانه و مؤثر ارائه می‌کند، کنایه است. کنایه، نشانه‌ای از نشانه‌های بلاغت است و از اسرار بلاغت آن است که حقیقت را در شکل‌های متعدد و همراه با برهان عرضه می‌دارد. از دیگر اسباب بلاغت کنایه آن است که بر تن معانی، لباس حسیات و ملموسات می‌پوشاند و هم چنین از خواص کنایه این است که می‌توان مطالب پوشیده را با ایما و اشاره بیان کرد (هاشمی، ۱۳۸۳: ۳۰۹).

هرگاه شاعر نتواند مقصود خود را به شکل معمولی بیان کند، از کنایه بهره می‌گیرد. پس در واقع «کنایه نوعی مجاز است که ایهام دارد، این ایهام علاوه بر این که به کلام عادی رنگی از ظرافت می‌دهد، وسیله‌ای است برای ادای سخن بی‌پرده که بیان‌شان دشوار است.» (البرز، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

در گوششان کلام امام است

- فتوای استقامت و ایثار -

بر دوششان درفش قیام است (امین پور، ۱۳۸۷: ۱۰)

«بر دوششان درفش قیام است» کنایه از بر پا خواستن و قیام کردن است.

* * *

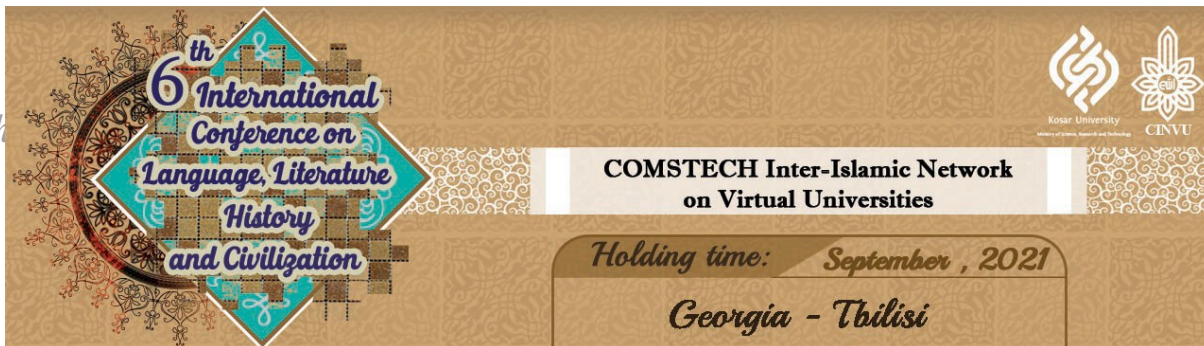
نفس که تنگ می‌شود چفیه ات را با اشک خیس کن

شیمیایی است!

(قزوه، ۱۳۸۴: ۱۶۲)

«شیمیایی»؛ تلمیح دارد به روزگار جنگ و بمباران‌های شیمیایی و در همنشینی با واژه‌های، نفس تنگی و خیس کردن چفیه، یاد آور دوران جنگ تحمیلی است که اگر بمباران شیمیایی می‌شد و ماسک نبود چفیه را مقابل دهان می‌گرفتند. البته بررسی این واژه در ارتباط با نفس تنگی، چفیه، اشک غیر از تصاویر واقعی روزگار جنگ می‌تواند، «نفس تنگی» کنایه از ناراحتی از وضع موجود، «گریستن»؛ کنایه از ناراحتی بسیار و «شیمیایی»؛ نیز مجازاً خطر ناک بودن باشد.

* * *



با شعله اشکی در چشم، با نئی لبکی در انگشت
 پوتین و پلاک کهنه در چفیه نهم چون بقچه
 مهمان توام فردا من هر چند نبینی با من
 این تکه تنها مانده در غربت و غم ما را کشت ...
 رو سوی فلسطین آرم با زخمی عمیق در مشت
 جز خنده تلخی بر لب، جز خنجر تیزی بر پشت

(کاکایی، ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۱۴)

پوتین، پلاک کهنه، چفیه از عناصر همراه رزمندگان است و این مصراع بقایای لوازم شهدا را به یاد می آورد و البته رفتن به سوی میدان نبرد با اسرائیل. به نظر می رسد «خنجر تیزی بر پشت» کنایه از خیانت دشمنان به ظاهر دوست باشد.

* * *

قزوه در شعر زیر جنوب را به خیبر و چاله هایی که از بمباران هواپیماها پدید میاید را به خندق تعبیر کرده است:
 جنوب غرق خون است و / غزه آهوی زخمی / تو تنها مانده ای نصر...! / در خیبری به نام جنوب / و هواپیماها دارند
 خندق می کنند و / کودکان زخمی تشنه اند / تو رفته ای از شریعه آب بیاوری / در برابر چشم این همه ماهواره ی

جاسوسی

(قزوه، ۱۳۸۹)

- مجاز:

مجاز، یکی دیگر از گونه های خیال انگیز کردن شعر است که در حوزه ی علم بیان مورد بررسی قرار می گیرد؛ هر چند که بعضی از سخنوران آن را جزو مباحث علم بیان دانسته اند، اما کتاب «صور خیال در شعر فارسی» محل اصلی بحث مجاز را علم بیان می داند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

مجاز، در واقع «لفظی است که در غیر معنای وضعی خود و برای علاقه ای (مناسبت یا رابطه بین معنای حقیقی و مجازی) به کار می رود که همراه با قرینه ای است که مانع از آن می شود که معنای حقیقی اراده شود.» (هاشمی، ۱۳۸۳: ۲۵۹).

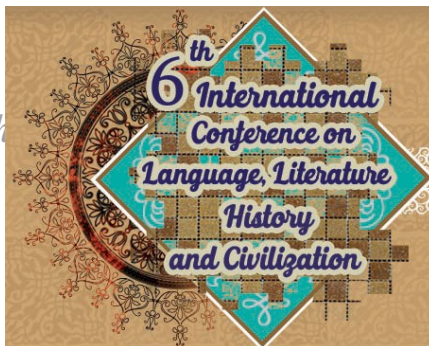
در شعر زیر زبان اعتراض قزوه به دین به دنیا فروشان گشوده می شود که دشنه های خود را بر پشت دین زده اند:

هلا، دین فروشان دنیاپرست!

سکوت شما پشت ما را شکست

چرا ره نبستید بر دشنه ها؟

ندادید آبی به لب تشنه ها



نرفتید گامی به فرمان عشق
نبردید راهی به میدان عشق
اگر داغ دین بر جبین می‌زنید
چرا دشنه بر پشت دین می‌زنید؟
هلا ای دین فروشان دنیا پرست
سکوت شما پشت مارا شکست (قزوه، ۱۳۶۹: ۴۱)
در اینجا دشنه‌ها؛ مجازا به دشمنان یا همان دشنه به دستان تعبیر شده است.

* * *

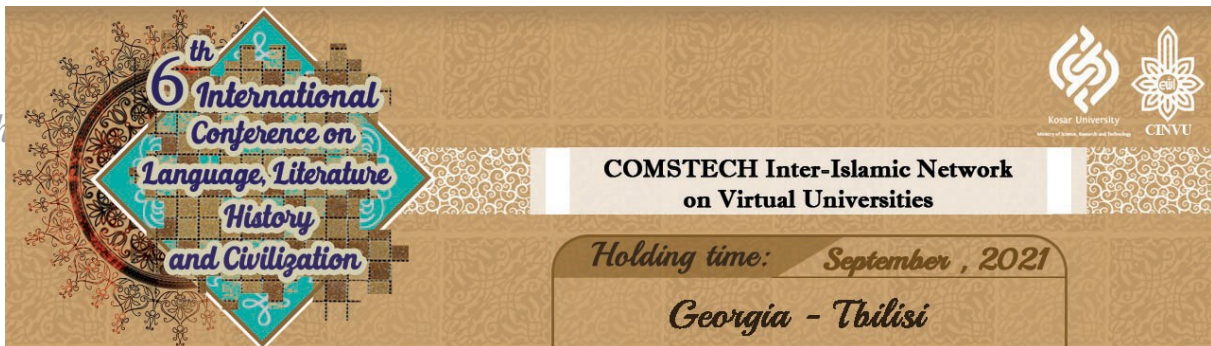
کاکایی در شعر زخم‌های سرخ چنین آورده است:

گردباد باش، باد باش و گرد
خاک ناامید، باز هم بگرد
لای بوته‌ها، خفته یک شهید
کوه بود، کوه، مرد بود، مرد
زخم سینه‌اش دشنه بود و زهر
زخم‌های سرخ، زخم‌های زرد
آفتاب بود، سایه شد ولی
سایه‌ات کجاست؟ ای هم‌نبردا!
دست شاخه‌های بی‌شکوفه است
آه از این هوا، این هوای سرد
گردباش، بادباش و گرد
گرچه خسته‌ای باز هم بگرد

(کاکائی، ۱۳۷۹)

در اینجا «دشنه»؛ مجازا دشمن رو در رو و «زهر»؛ دشمن پنهان و کشتن با دسیسه است.

* * *



توصیف بی نظیر قزوه و عشقش نسبت به میهن، که آن را به تمامی خوبی ها و بهترین ها و نور و امید و... تشبیه نموده است:

وطن گرچه شادان، شهیدی، وطن!

سراسر امیدی، امیدی، وطن!

.....

شکوهت نمک گیر عدل علی (ع) است

به دست تو شمشیر عدل علی (ع) است (قزوه، ۱۳۸۹: ۲۸۳)

در «به دست تو شمشیر عدل علی (ع) است»؛ تشخیص دارد زیرا برای وطن دست فرض کرده است و «شم شیر» مجازا قدرت است و تناسب دارد با عدل علی (ع) از طرفی تبادری هم به شم شیر معروف حضرت علی (ع) (ذوالفقار) و همچنین تلمیحی به عدالت علی (ع) دارد.

* * *

شاعران پایداری من جمله قزوه و کاکایی و امین پور دل بسته پرواز سرخ اند و شدیداً عافیت طلبی را مورد نکوهش قرار داده و از زنده ماندن خود احساس شرم دارند:

وقت است تا در ورطه ی درد چون موج عاشق پا بکوبیم

در بارش یکریز شمشیر مثل عقابی پر بگیریم

وقت قیام پایداری مانند نخلی سرافرازیم

گاه جنون عشق اما،

چون بید مجنون سر بریزیم (قزوه، ۱۳۶۹: ۲۳)

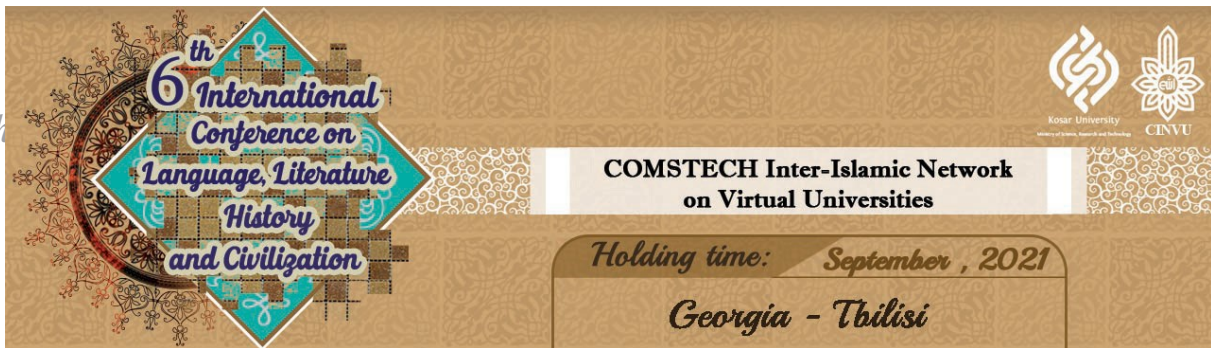
در این شعر «شمشیر» مجازاً ابزار کشته و شهید شدن است.

* * *

از بس تیر بود و سنان بود و نیزه بود هفتاد حمله بسته شد از خیمه تا فرات (قزوه، ۱۳۹۳: ۲۱)

«تیر»، «سنان» و «نیزه» علاوه بر داشتن تناسب، مجازاً به معنای کشتن و کشته شدن افراد آمده است.

* * *



اگر دل دلیل است ، آورده ایم
اگر داغ شرط است ، ما برده ایم
اگر دشنه ی دشمنان ، گردنیم
اگر خنجر دوستان ، گرده ایم
گواهی بخواهید ، اینک گواه
همین زخم هایی که نشمرده ایم

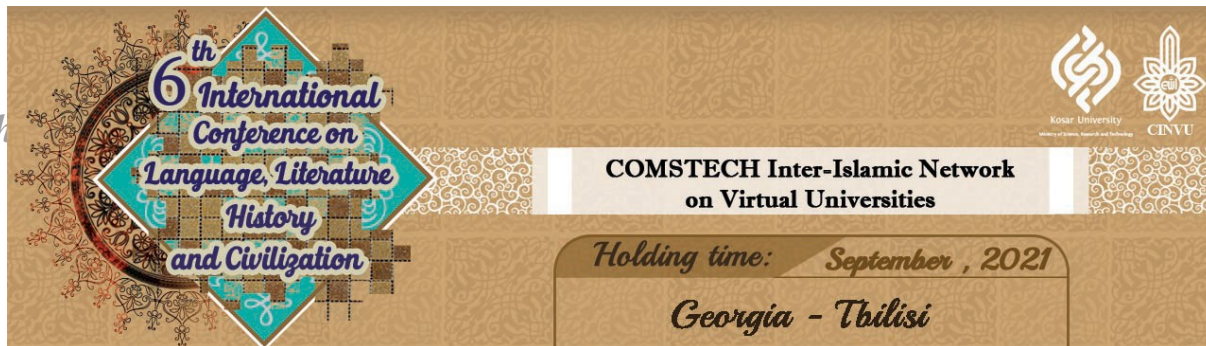
(امین پور، ۱۳۷۲)

«خنجر دوستان» مجازا آسیبی که دوست به صورت آگاه یا نا آگاه می زند.

۶- نتیجه گیری:

سرزمین ایران به علت شرایط خاص اقلیمی و فرهنگی همواره مورد تجاوز بیگانگان و طمع استعمارگران داخلی و خارجی بوده است. از این رو پایداری و دفاع همیشه همراه و همزاد تاریخ این سرزمین بوده و ادبیات نیز در سخت ترین شرایط، خود را از کمند موانع رهانیده و چون یاری مددکار و سربازی فداکار در قالب شعر و قصه و داستان و قول و غزل در دامن وطن شیرین زبانی کرده و بالیده است.

تاریخ ادبیات گواه خوبی است که ادبیات مقاومت و دفاع و جنگ در سرنوشت بشر، ایجاد آرامش و صلح و دوستی و تحقق حق و عدالت، نقشی مهمتر از نیزه و شمشیر و تفنگ داشته است. ادبیات پایداری و خصوصاً اشعار پایداری هیچگاه در این عرصه ها هویت تاریخی و سیاسی کشور را رها نکرده است، در جریان انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس بیشترین اشعار پایداری پدید آمدند و این به علت نیاز جامعه به این نوع ادبی در این مقطع سرنوشت ساز بود و مهمتر اینکه نقش اشعار حماسی و پایداری در یاری رزمندگان، خانواده شهدا، جانبازان و مردم شهرها و روستاهای محروم و مصیبت زده بر کسی پوشیده نیست. این اشعار پابه پای رزمندگان و ایثارگران در برابر ظلم و استکبار و تجاوز جنگیدند. شاعران مورد نظر این پژوهش دردمندانترین فریادهای خود را همراه با خانواده های مصیبت دیده و جانبازان و مجروحین سردادند و در گرامیداشت یاد شهیدان و تسکین خانواده های آنان فداکارانه مرثیه خواندند و از فشنگ و موشک و خنجر و نیزه شعرها ساختند. اشعار پایداری در سروده های قیصر و کاکایی و قزوه، با بهره گیری از عناصر



رزمی خاص این دوره چون: تیر، موشک، انفجار، موشک، هواپیما، شمشیر، نیزه، دشنه، نارنجک و ... آرمان این نهضت را به گوش همگان رساند. شاعر پایداری و اعتراض، زبان گویای دردها و رنج های مردم معاصر خود هستند. برای همین واژگان مورد نیازی که متناسب با آرمان جامعه باشد در اشعارشان تجلی می کند.

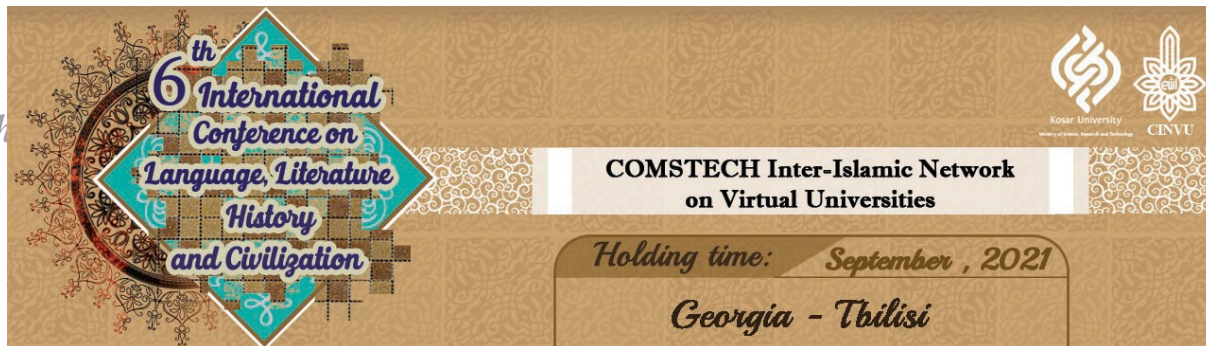
شاعران مذکور ملموس و حسّی با زبانی روان و سلیس و قابل فهم و بدون پیچیدگی ها و تعقیدات لفظی است و گویی شاعران زندگی شخصی خود را به تصویر کشیده اند. از خصوصیات اشعاری که مورد بررسی قرار گرفت، می توان به بیان ساده و روان، بینش دینی و مذهبی، تصاویر شفاف و طبیعی، کاربرد صور خیال، نمادها و اصطلاحات جنگی و ... اشاره کرد.

شعر زمان جنگ بیشتر از آنکه به لفظ و فرم توجه داشته باشد و تصویرپردازی کند، به محتوا و پیام و اندیشه ی خود فکر می کرد؛ با این وجد صور خیال در آنها به زیبایی هر چه تمام تر جلوه نموده است. این اشعار سرشار از نماد های جنگی مثل تفنگ، چفیه، سنگر، تسبیح و تلمیحات و نمادهای ملی و معرف هیت یک انسان ایرانی با واژگانی نظیر سیاوش، سهراب، و همچنین کاربرد نمادهای دینی و مذهبی مثل اسوه ی پایداری و شهادت طلبی امام حسین (ع) و یارانش در کربلا، اسامی پیامبران و یا ائمه، مکان های مذهبی و ... است.

تصاویر بلاغی در اشعار شاعران مشترک و استعاره یا نماد، خصوصاً در حوزه ی طبیعت و دینی و مذهبی یکنواخت است. بسامد بالای نماد در این حوزه ی شعری، نشان از این دارد که شعر این دوره به سمت مکتب سمبولیسم گرایش دارد، گرچه از سایر مکتب ها هم چندان بی بهره نبوده اند. شاعران در ایجاد تصاویر نمادین بیشتر از عناصر جنگی با زبانی روان، ساده و قابل فهم برای عموم مردم الهام گرفته اند، عناصری همچون گلوله، دشنه، نیزه، سنان و ...

در تشبیهات نیز جنبه ی حسّی بر عقلی آن می چربد و اغلب این تشبیهات حسّی به حسّی و یا عقلی به حسّی هستند و این شاید به دلیل دیدن صحنه های دلخراش آوارگی، ویرانی، قربانیان شیمیایی، بمباران، حمله ی منافقین به شهرها و کشتار جمعی مردم بی گناه باشد که حسّ دیداری، دیگر مجالی برای حس های دیگر خصوصاً عقل باقی نمی گذارد؛ به بیانی دیگر، تصاویر شعری این شاعران بیان دیده ها و نوعی شکواییه است.

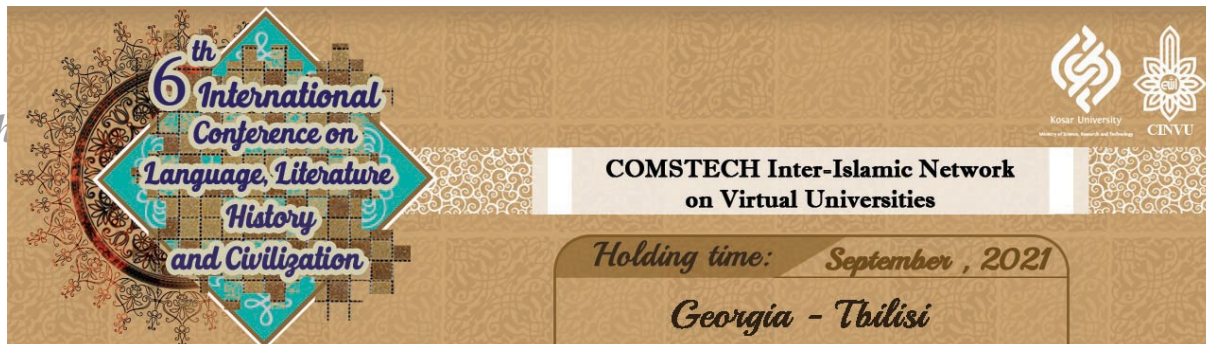
نکته ی قابل توجه دیگر در شعر این شاعران گلایه ی شاعران از فراموشی این رخداد است. جنگ تمام شده، اما هنوز آثار شوم آن بر چهره ی این سرزمین نمایان است. مرگ تدریجی جانبازان شیمیایی و غربت آوارگانی که به علت



ویرانی زادگاه خود مجبور به ترک دیار شده اند و یاد شهیدان جزو دغدغه های این شاعران بوده است که آنها را با صور خیال خود پرورش داده و به صورت شعر درآورده اند.

منابع:

- امین پور، قیصر (۱۳۸۶). دستور زبان عشق: شعرهای ۸۰ تا ۸۵. تهران: مروارید.
- (۱۳۶۳) تنفس صبح، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۸۸) منظومه ظهر روز دهم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش)
- (۱۳۸۷). تنفس صبح: گزیده دو دفتر شعر «تنفس صبح» و «در کوچه آفتاب»، تهران: سروش.
- (۱۳۷۲). آینه های ناگهان. تهران: نشر سراینده
- اولیایی، مصطفی (۱۳۷۳) عناصر ویژه ی سبکی و زبانی ادبیات انقلاب اسلامی، مجموعه مقاله های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، صص ۴۳-۵۷.
- براتی، محمود، نافلی، مریم (۱۳۹۰) صورخیال در شعر فرید (قادر طهماسبی)، فصلنامه ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و دوم، صص ۱۷۵-۱۹۸.
- سکاکی، سراج الدین ابویعقوب (۱۹۸۷) مفتاح العلوم، به تصحیح: نعیم زرزور، بیروت: دارالکتاب العلمیه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵) صور خیال در شعر فارسی، تهران، نشر آگاه.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۶) شاهنامه فردوسی، تهران، شرکت نشر قطره
- قاسمی، حسن (۱۳۸۴) صورخیال در شعر مقاومت، تهران: انتشارات فرهنگ گستر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- قزوه علیرضا (۱۳۸۵). قطار اندیمشک و ترانه های جنگ، نشر لوح زرین.
- (۱۳۸۹). سوره ی انگور، چاپ چهارم، تهران: نشر تکتا (توسعه کتاب ایران).
- (۱۳۸۹). سوره ی انگور، چاپ چهارم، تهران: نشر تکتا (توسعه کتاب ایران).
- (۱۳۸۴). شبلی و آتش. تهران: انتشارات اهل قلم
- (۱۳۸۷). گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر ۴۱)، کتاب نیستان، تهران.
- (۱۳۹۳). با کاروان نیزه، تهران، انتشارات سوره مهر.



----- (۱۳۶۹). از نخلستان تا خیابان. تهران: همراه.

کاکایی، عبد الجبار (۱۳۷۹). گزیده ادبیات معاصر مجموعه شعر، چاپ دوم، ناشر کتاب نیستان.

----- (۱۳۷۸) سفرنامه آسمان، مجموعه شعر دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس.

----- (۱۳۸۷). با سکوت حرف میزنم، تهران، نشر علم.